

## ماجرای بیهوش شدن آرمیتا از زبان همکلاسی هایش

به گزارش ایران آنلاین، آن روز مثل همیشه که با هم قرار داشتیم اول من به ایستگاه مترو رسیدم و بعد هم آرمیتا آمد؛ همه چیز عادی بود، آهنگ گوش کردیم، حرف زدیم و کلی خندیدیم.

اینها صحبت‌های آغازین «فاطمه» همکلاسی، دوست صمیمی و همراه آرمیتا گراوند است که چند روز پیش در مترو دچار حادثه (بیهوشی) شد. فاطمه امروز (چهارشنبه) به بیان ماجرای روز حادثه پرداخت.

دوست و همکلاسی صمیمی آرمیتا در ادامه این گفت و گو افزود: من و آرمیتا با هم روی نیمکت (سکوی ایستگاه مترو) در خط چهار شهدا نشستیم، منتظر دوستان مهلا بودیم که متوجه شدم مهلا هم به سمت ما می آید، قطار آمد و برای اینکه به قطار برسیم بلند شده و با گام‌های سریع به سمت واگن رفتیم.

وی ادامه داد: ابتدا مهلا وارد واگن شد، بعد آرمیتا و در آخر هم من وارد قطار شدم ولی «آرمیتا» در کمتر از یک ثانیه و به ناگاه با پشت (عقب عقب) به زمین افتاد و سرش با زمین (حاشیه سکو) برخورد کرد.

فاطمه که با یادآوری خاطرات آن روز تلخ بغض کرده و اشک می ریخت، افزود: وقتی آرمیتا را بلند کردم دیدم دستم خونی شده و متوجه شدم که سر وی زخم برداشته که در نهایت با کمک مردم، آرمیتا را به خارج قطار و کنار سکو انتقال داده و برای نجات وی تلاش کردیم.

این همکلاسی آرمیتا گفت: بلافاصله با مرکز فوریت‌های پزشکی تماس گرفته و درخواست آمبولانس و امداد کردیم. در این فاصله یک خانم که خاطر نیست دکتر بود یا پرستار، در احیای آرمیتا کمک زیادی کرد و بعد هم وی با آمبولانس به بیمارستان منتقل شد.

وی در ادامه افزود: ما هم به بیمارستان رفتیم و از آن موقع تا الان همچنان در حال دعا برای سلامتی آرمیتا هستیم و از همه مردم هم تقاضا می کنم برای بهبود آرمیتا دعا کنند تا هر چه سریعتر خوب شود.

### هیچ کس به ما تذکر نداد و کسی هم آرمیتا را هل نداد

مهلا دیگر همکلاسی و دوست آرمیتا که در روز حادثه همراه او بود نیز در ادامه این گفت و گو با تشریح چگونگی ماجرا، گفت: آن روز (یکشنبه) مثل همه روزهای دیگر با فاطمه و آرمیتا در مترو (ایستگاه شهدا) قرار داشتیم که به مدرسه برویم؛ وقتی وارد ایستگاه شدم، قطار آمده بوده و فاطمه و آرمیتا که زودتر رسیده بودند منتظرم بودند.

یه گفته وی برای اینکه به قطار برسیم با سرعت حرکت کرده و داخل واگن شدیم، اول من و بعد هم آرمیتا و سپس فاطمه وارد مترو شدیم، ولی در کمتر از یک ثانیه «آرمیتا» با پشت سر به زمین خورد.

وی اظهار داشت: فاطمه دست‌های آرمیتا و من پاهای او را گرفتیم و با کمک چند نفر او را به بیرون واگن قطار و حاشیه سکو منتقل کردیم.

مهلا افزود: انگار آرمیتا مرده بود، اما با تلاش مردم و یک خانم که فکر کنم پرستار بود، آرمیتا دوباره زنده (احیا) و با آمبولانس به بیمارستان انتقال داده شد.

وی ادامه داد: من و فاطمه نیز به بیمارستان رفتیم، آرمیتا را اول به بخش اورژانس و بعد هم به بخش مراقبت‌های ویژه «آی سی یو» بردند.

وی با ناراحتی و کمی عصبانیت افزود: اینکه می‌گویند به خاطر حجاب به ما تذکر دادند و یا یک نفر دیگر آرمیتا را هل داده، اصلا صحت ندارد و دروغ است، همه این اتفاقات در کمترین زمان ممکن رخ داد.

این هم‌کلاسی و دوست آرمیتا در پایان از همه مردم خواست برای سلامتی آرمیتا دعا کنند تا هرچه سریعتر سلامتی خود را به دست بیاورد.

انتهای پیام/

بیهوش شدن آرمیتا  دوست آرمیتا 

دیدگاهی جهت نمایش وجود ندارد.



## اطلاعات خبر



کد خبر 29545



سرویس جامعه



تاریخ انتشار ۱۴۰۲/۰۷/۱۳ - ۱۰:۴۷:۲۹



تعداد دیدگاه ۰



مرجع ایرنا

